

زیبایی های معنوی در سیره فاطمی علیهاالسلام

<?xml encoding="UTF-8">

با حذف «زیبایی های معنوی»، «زیبایی» خشک و بی روح می گردد، به عبارت دیگر: بحث از ارزشهای معنوی از موضوع زیبایی جدا نیست، گرچه برخی کوشیده اند خاستگاه زیبایی را در امور محسوس (sensible) و دنیوی، و ارزشهای معنوی را در امور اخروی محصور نمایند.

از آگوستین قدّیس چنین نقل شده است که: «وقتی خداوند را دوست می دارم، آنچه دوست دارم چیست؟ نه جسمی است، نه تنی، نه زیبایی گذران، نه درخشش روشنایی، نه آوازهای دلکش، نه گلها و گیاهان خوشبو، ... دوست داشتنِ آن چیزها نیست، با این همه وقتی خدایم را دوست دارم گویی همه این مظاهر را نیز دوست داشته ام.»

آری، در تعالیم توحیدی نه تنها زیبایی محسوس نکوهش نگشته، بل به شباهت های این تجلی های مادی با طبع زیباپور معنوی استناد شده است. اما آنچه مهم است این که: هنر اسلامی از همان آغاز تمایل داشت که از قواعد فیزیکی محسوسات فاصله بگیرد و فراتر گام نهد، نقوش اسلیمی اگر چه با گل و گیاه تزیین شده اما هرگز منعکس کننده واقعیت طبیعی نبوده بل از آنها انتزاع گشته اند. خلاصه آنکه: خاستگاه زیبایی را نباید در امور مادی محصور دانست بل اصل آن را باید در امور معنوی جستجو کرد هر چند زمینه درک این نوع زیبایی ها به پالایش درون نیازمند است، به قول عطار:

با جمالش چونکه نتوان عشق باخت
از کمال لطف خود آئینه ساخت
هست آن آئینه، دل، در دل نگر
تا ببینی رویش ای صاحب نظر

استاد محمدتقی جعفری می نویسد: «در امر زیبایی، اعم از محسوس یا معقول، «لذت» عنصر بسیار مهم درون ذاتی است و هر انسان منصفی می پذیرد که اگر از دریافت زیبایی های محسوس برای انسان لذتی محسوس ایجاد شود، به همان اندازه و چه بسا بیشتر دریافت زیبایی های معقول، لذت معقول به همراه دارد. گاهی حیرت انسان در برابر زیبایی روح یک انسان رشد یافته تا آنجا بالا می رود که محال است در زیبایی های محسوس به آن حد برسد. همان گونه که چشم یک انسان لایق از تماشای آسمان لاجوردین سیر نخواهد شد، زیبایی وجدان یک انسان پاک و مصفا شما را بیش از آن مبهوت و مستغرق در زیبایی خود خواهد کرد.» (1) اکنون در این مقال برآنیم تا برخی از ویژگیهای حضرت زهرا علیهاالسلام را به عنوان تجلی زیبایی های معنوی برشماریم، با استناد به منابع معتبر، بصورتی گذرا و فهرست وار:

کمال انسانی

زهرای اطهر علیهاالسلام انسانی چند بُعدی بود و در تمام جنبه های انسانی در اوج کمال، هنگام عبادت آنچنان در معنویت غرق می شد که با گذشت ساعتها، گذر زمان را حس نمی کرد چرا که «زمان» از مختصات ماده و مادیات است و او در عالم دیگری سیر می کرد، اما در گاه حمایت از رهبری و ولایت، تو گویی جز سیاست کار دیگری ندارد و تا پای جان می ایستاد و جوانمردانه افشاگری می کرد. وی پیرامون موضوعات مختلف جملاتی زیبا و ژرف از خویش به یادگار نهاده، عرفان، خانواده (کار در منزل، همراهی با همسر، ساده زیستی)، حقوق (حق زن، همسایه، کارگر، مهمان و ...)، جامعه، اقتصاد، سیاست (دفاع از سیاستهای نبوی و علوی، طرح قضیه فدک و اعتراض شدید به غصب آن از طرف حکومت، برخورد قهرآمیز با غاصبان خلافت امیرمؤمنان علیه السلام، نکوهش مخالفان امیرالمؤمنین علیه السلام و نقل احادیثی همچون حدیث غدیر، منزلت و ...)، اخلاق و فقه و... بخشی از محورهایی است که مورد توجه حضرت قرار داشته است.

عشق به عبادت

حسن بصری می گوید: «در این امت، عابدتر از فاطمه علیهاالسلام نیامده است، آنقدر نماز و عبادت را ادامه می داد که پاهایش ورم می کرد.» (2)

درخشش چنین عبادتی آسمانیان را مبهوت می کرد، امام صادق علیه السلام بعدها در مورد مادر چنین فرمود: «وقتی در محراب عبادت نماز می ایستاد برای آسمانیان می درخشید همانگونه که نور ستاره ها برای زمینیان. (و به همین علت وی «زهر» لقب گرفت)» (3)

شب عروسی نیز، زهرا نگران آخرت است، علی علیه السلام می پرسد: چرا چنین مضطرب و نگرانی؟ دستم تهی است، نگران ورود به آخرتم. ترا سوگند که امشب به عبادت خدا پردازیم.

در روایتی دیگر می خوانیم: «خداوند به فرشتگان مباحثات کرده، می فرماید: بنگرید، فاطمه ام چگونه در پیشگاه من ایستاده، ارکان بدنش از خوف به لرزه در آمده و با تمام وجود دلدادۀ ام گشته است، گواه باشید که من رهروانش را از آتش دوزخ ایمن ساختم.» (4)

انس با قرآن

حضرت فاطمه علیهاالسلام و اصولاً عترت پاک پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بر اساس حدیث متواتر «ثقلین»، پیوندی عمیق، استوار و جاودانه با قرآن دارند، سرشت زهرا دوران کودکی و حتی پیش از آن، با تعالیم وحی عجین گشته بود. وی در واپسین روزهای عمر در سخنان کوبنده خویش در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از پشت پرده و شفاف ضمن حمایت از ولایت و بیداری اذهان مخاطبین به بیش از صد آیه اشاره نموده است (به صورتهای مختلف مانند: استدلال به آیات، اقتباس از آیات چه با تغییر و چه بدون تغییر در آیه و بالاخره جملاتی که ناظر به آیات می باشند).

روح بلند و متعالی

روح بزرگ و با عظمت زهرای اطهر علیهاالسلام، پس از ارتحال جانسوز پدر، سبب شد تا جبرئیل فرود آید و مسائل و حوادث آینده را به اطلاع وی برساند، امیرمؤمنان علیه السلام نیز آنها را ثبت کرد و بدین سان «صحیفه فاطمه علیهاالسلام» شکل گرفت که از امامی به امام بعدی به ارث می رسید و هم اینک در دست پاک و با

کفایت یوسف زهرا، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد. امام خمینی قدس سره می فرمود: «سابقه نداشته است که جبرئیل جز با طبقه اول از انبیای عظام این چنین آمد و شدهای مکرر با کسی داشته باشد.» (5)

و این چنین است که پیروان راستین زهرا علیهاالسلام زانی می گردند که از تنگنای مسائل جزئی و مادی خویشتن را رها می سازند و با پرواز در آسمان معرفت هویتی دیگر می یابند.

عفاف و حجاب

زن، مظهر جمال است و زکات جمال عفاف است؛ بر اساس دستور خداوند (6) رعایت حجاب بر زنان واجب است. آیا این بدان معناست که زن در حصار باشد و زندانی؟

خیر، حضرت فاطمه که حتی از انسانی نابینا خود را می پوشانید و رو می گرفت، در عین حال بیشترین تأثیر را در محیط سیاسی عصر خویش می گذاشت.

شعار «آزادی زن» که مدتهاست در جوامع غربی و حتی اسلامی رواج یافته بیشتر بدین منظور است که زن از مصونیتی که شرع برایش فراهم آورده، خارج شود، تا استعمار به اغراض پلیدش دست یابد. آری! عفاف و حجاب پرچم استقلال و دژ مصونیت زنان متعبد و اندیشمند روزگار ماست و استعمار نیز از همین می ترسد.

امام خمینی می فرمود: «اسلام با آزادی زن نه تنها موافق است، بلکه خود پایه گذار آزادی زن در تمام ابعاد وجودی زن است.» (7) در جای دیگر می فرماید: «زنان آزاد هستند در بسیاری از امور شرکت کنند. آزادی به معنای واقعی، نه آنطور که شاه می خواست.» (8)

حمایت از رهبری

هدف اصلی دشمن در هر برهه ای از تاریخ نابود کردن رهبری اسلام بوده است، زیرا این ستون را سبب سرپایی اسلام می دانسته.

گمراهان که توان از میان برداشتن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم را در خویش نمی دیدند تصمیم گرفتند پس از ارتحال آن حضرت، جانشینان واقعی او را از صحنه سیاست و حکومت کنار بزنند. حضرت زهرا علیهاالسلام که از هشیاری خاص سیاسی برخوردار بود و به نقشه دشمن واقف با روشهای گوناگون از رهبری واقعی اسلام یعنی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام حمایت کرد و جان خویش را در این راه فدا کرد.

وی در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در حضور خلیفه وقت و مهاجر و انصار از پس پرده، حقایق را بی پرده باز گفت و از مؤمنان درخواست یاری نمود اما جوابی باز نیامد:

بر فراز منبرت گردید حقم پایمال

هر چه نالیدم لبی هم در جوابم وا نشد

او در بستر بیماری نیز از بیدارگری برکنار نماند، در برابر زنان مهاجر و انصار که به عیادتش آمده بودند از کسانی که علی علیه السلام را رها کرده بودند نالید و رنجامه خویش را برایشان برخواند. او حتی با وصیتنامه سیاسی الهی

خویش علی را حمایت کرد و نفاق و منافقان را رسوا ساخت.
زهر را راه حمایت از مولایش بارها کتک خورد و بالاخره در همین راه شربت شهادت نوشید.

کشته گشتم بارها از خانه تا مسجد ولی
شادمانم که سرمویی کم از مولا نشد
هیچ بانویی به راه شوهر خود جان نداد
کودکی چون محسن من کشته بابا نشد

روزی «ابن لبید» حضرت زهرا علیها السلام را دید که بر مزار شهدای احد به سوگ نشسته و اشک می ریزد پرسید:
آیا رسول خدا، پیش از وفات، درباره امام علی علیه السلام مطلبی گفته است؟
حضرت فرمود: شگفتا، آیا حادثه عظیم غدیر خم را از یاد برده اید؟
ابن لبید گفت: نه، چنین رویدادی بود، ولی مرا با خبر سازید.
حضرت فرمود: خدا را گواه می گیرم، از رسول خدا شنیدم که می فرمود: علی بهترین کسی است که او را جانشین
خود قرار می دهم، علی امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن و حسین و نه نفر از فرزندان حسین،
پیشوایانی پاک و امامانی نیک شمرده می شوند. اگر از آنان فرمان برید شما را هدایت می کنند و اگر مخالفت
کنید تا روز قیامت جدایی و اختلاف بر شما چیره می شود.
آری، کتابهای اهل سنت آکنده است از روایاتی که دختر رسول خدا در آنها از ولایت علی و فضایل او پرده برداشته
و حقایق را بر همگان روشن ساخته است. (9)

زهد و ساده زیستی

آنگاه که روح، رو به سوی کمالات داشته باشد و قرب الهی را هدف خویش بداند، مادیات را جز وسیله تلقی نمی
کند. زاهد، سرای تاریک را حقیرتر از آن می داند که بدان دل بندد. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به یاری
وحی از وضعیت دوزخ آگاهی یافت، در اندوه فراوان فرو رفت. سلمان نزد فاطمه علیها السلام شتافت تا از او
بخواهد به دیدن پیامبر رفته و وی را از اندوه بیرون آورد. می گوید هنگامی که به منزل حضرت زهرا رسیدم منظره
ای شگفت دیدم. فاطمه با لباسی پشمین که دوازده جای آن با لیف خرما وصله شده بود! چون وضع پیامبر را
برای فاطمه تشریح کردم فاطمه از جا برخاست، همان عبای وصله دار را بر خود پیچید.
با خود گفتم: دریغا، دختران کسری و قیصر ابریشم و حریر می پوشند و دختر محمد عبای پشمین با دوازده
وصله از لیف خرما! فاطمه بر پدر وارد شد و پس از سلام گفت: پدر جان، سلمان از لباس من در تعجب فرو رفته،
در حالی که به خدایی که تو را به حق برانگیخت سوگند که پنج سال است که من و علی جز پوست گوسفندی که
روزها علوفه دان شتر و شبها بستر ما می باشد و بالشی که پوست آکنده از لیف خرماست، از لوازم و اثاث زندگی،
هیچ نداریم.

پدر، مقام و عظمت روحی دخت خویش را برایم بر گفت و فرمود: ای سلمان! دخترم در گروه پیشگامان به سوی
خداست (یا سلمان! ان ابنتی لفی الخیل السوابق). (10)

منظور از این داستان آن نیست که زن مسلمان در عصر حاضر چادر وصله دار بر سر کند، زیرا هر زمان مقتضیات
خاص خود را دارد. آنچه مهم است دل نبستن به مظاهر دنیاست. حضرت سلیمان سلطنتی عجیب داشت و جن

و انس در خدمتش بودند ولی هیچ کدام از اینها نتوانستند دل وی را مسخر خویش سازند.

انتخاب همسر

بی تردید دختران و پسران مسلمان در گزینش همسر معیارهایی برای خود دارند، ولی به نظر شما معیارهای حضرت زهرا علیهاالسلام چه می توانست باشد؟

زهرا در حالی ازدواج با علی را پذیرفت که وی از نظر مالی در تنگدستی به سر می برد ولی تقوا و ایمان، حکمت و دانش، شجاعت و ایثار و هزاران فضیلت دیگر در او موج می زد.

زهرا در حالی با علی پیمان زناشویی بست که قبل از او ثروتمندانی همچون عبدالرحمان عوف و عثمان بن عفان به خواستگاریش شتافته بودند. عبدالرحمان گفته بود: من صد شتر گران قیمت و ده هزار دینار طلا مهریه می دهم. این سخن رسول خدا را خشمگین ساخت و به او فرمود: می خواهی با پولهایت مرا فریب دهی؟! (11)

هدایت گری، اما نه با زبان

در روایات خوانده ایم: با کسانی رفت و آمد کنید که چهره آنها شما را به یاد خدا بیندازد، در زمان خودمان بودند و هستند کسانی که معصوم نیستند ولی چنان خدا را در تمام زوایای زندگی حاضر و ناظر دیده اند که جلوه خدایی و رنگ و بوی الهی یافته اند مانند چهره امام خمینی که انسان را به عوالم دیگری پیوند می داد، حتی اکنون پس از گذشت سالها از ارتحال جانسوزش، محل زندگی وی حتی نامسلمانان را تحت تأثیر قرار می دهد.

زهرای اطهر علیهاالسلام چنان نورانی بود که نه تنها گفتار و رفتارش دیگران را به سمت خدا سوق می داد بلکه حتی چادرش نیز موجب اسلام آوردن کافران می شد.

امام علی علیه السلام گاه آنچنان در تنگدستی واقع می شد که مجبور می گشت از ثروتمندان یهودی قرض نماید. یکبار که از یک فرد یهودی تقاضای قرض نمود او در مقابل چیزی طلب کرد تا به عنوان گرو پیش خویش نگه دارد، امام نیز چادر همسرش حضرت زهرا علیهاالسلام را به او داد. شب هنگام، وقتی که همسر مرد یهودی نور چادر را دید شگفت زده شوهرش را خبر کرد. و هر دو، حیرت زده بستگان خویش را به منزل آوردند تا حادثه را با چشم خویش بنگرند، آنها نیز پس از مشاهده این کرامت زهرایی، همگی که حدود هشتاد نفر بودند، اسلام آوردند. (12)

ایثار و گذشت

پس از اقامه نماز جماعت، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم از حال پیرمردی که لباسهای کهنه به تن داشت جويا شد. او گفت: گرسنه ام، غذایم ده؛ برهنه ام، مرا بپوشان؛ فقیرم، به من کمک مالی کن. پیامبر رحمت به بلال فرمود: او را به منزل فاطمه علیهاالسلام راهنمایی کن.

پیرمرد همان خواسته ها را از فاطمه علیهماالسلام طلب کرد، فاطمه که مانند شوهر و پدرش سه روز می شد که غذا نخورده بود، پوست گوسفندی را که حسن و حسین روی آن می خوابیدند، به وی داد. پیرمرد گفت: چگونه درد گرسنگی خویش را با آن درمان کنم؟ فاطمه گردنبندهش را در آورد و تقدیم به وی کرد و فرمود: امید آنکه خداوند بجای آن چیزی بهتر از آن به تو دهد.

پیرمرد به مسجد آمد و ماجرا را برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بیان کرد. اشک شوق در چشمان

رسول خدا حلقه زد. عمار برخاست و با اجازه رسول خدا آن را خرید. پیرمرد گفت: در برابر آن نان و گوشتی می خواهم تا گرسنگی ام برطرف شود، ردایی یمانی که مرا بپوشاند و پولی که با آن به خانواده ام برسم. عمار بیشتر از آنچه خواسته بود به وی داد. آنگاه پیامبر خدا رو به پیرمرد کرد و فرمود: آیا سیر شدی و پوشانیده گشتی؟ گفت: آری. پدر و مادرم به فدای تو. رسول خدا فرمود: اینک برای فاطمه به خاطر احسانش دعا کن. آنگاه پیامبر خدا رو به اصحاب کرد و برای آنها از فضائل و کمالات فاطمه سخن گفت.

عمار برخاست و گردنبد حضرت زهرا را با مشک خوشبو ساخت و در پارچه ای یمانی پیچید و به غلامش داد و گفت: ای رسول خدا این غلام و گردنبد هدیه ای است از من به شما. پیامبر (پذیرفت و) به غلام فرمود: نزد فاطمه برو و گردنبد را به او ده، تو نیز از آن او هستی. (غلام به محضر فاطمه شرفیاب شد) حضرت زهرا گردنبد را گرفت و غلام را نیز در راه خدا آزاد کرد. (13) آری آن گردنبد با برگت گرسنه ای را سیر کرد، برهنه ای را پوشانید، فقیری را بی نیاز نمود و بنده ای را آزاد ساخت و بالاخره نزد صاحبش برگشت.

داستان ایثار زهرا و علی علیهما السلام و دو فرزند معصومشان (حسن و حسین علیهما السلام) که درسه شب متوالی افطاری خویش را به مسکین و یتیم و اسیر بخشیدند و در شأن آنان سوره «هل آتی» نازل شد. و یا ماجرای پیراهن شب عروسی که حضرت زهرا آن را به زنی مستمند بخشید و ... همه اینها گوشه ای از ایثارگرهای آن بانوی با عظمت است.

امام حسن علیه السلام فرمود: مادرم در یک شب جمعه در محراب عبادتش، عبادت می کرد، شنیدم که برای مردان و زنان مؤمن دعا می کند و آنها را یکی یکی نام می برد ولی برای خود هیچ چیز از خدا نمی خواهد. گفتم: مادرم چرا برای خود دعا نمی کنی؟ فرمود: فرزندم! اول همسایه، سپس اهل خانه. الجار ثم الدار. (14)

تجلیل از شهدا

زهرای داغدار، بر سر مزار شهدای احد به ویژه عموی پدرش، حضرت حمزه می آمد و گوهر اشک خویش را تقدیم می کرد و با بزرگداشت نام و یاد شهدا به همگان اعلام می کرد که با عافیت طلبی، سرپیچی از انجام دادن تکالیف و دور نگه داشتن خویش از آتش حادثه نمی توان اسلام را حفظ کرد. باید چون این شهیدان به معرکه پا نهاد و با خدا معامله کرد. زهرای صبور و تنها می خواست با اشک خویش غربت اسلام را فریاد کند و بگوید: ای گروه غفلت زده، بیدار شوید که ارزشهای شما را تباه و فرهنگ خویش را حاکم ساختند. می خواست بگوید: نگذارید اسلام به دست ناهلان و نامحرمان افتد.

پی نوشت ها :

(1) زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، استاد محمدتقی جعفری، ص174.

(2) بحارالانوار، ج43، ص84.

(3) علل الشرائع، ج1، ص215.

(4) امالی صدوق، ص100.

(5) صحیفه نور، ج19، ص279.

- (6) مانند: سوره نور، آیه 60 و 61.
- (7) صحیفه نور، ج4، ص192 سال 1357.
- (8) صحیفه نور، ج4، ص232 سال 1357.
- (9) مراجعه شود به الغدیر، ج1، ص197 و ج2، ص318.
- (10) بحارالانوار، ج43، ص87.
- (11) العوالم، ج11، ص292.
- (12) بحارالانوار، ج43، ص30.
- (13) بحارالانوار، ج43، ص56.
- (14) بحارالانوار، ج43، ص11.